

غني! چگونه در خاکسپاري کلکاني جنگسالاران وحشت آفريند؟؟؟

اگر باطل را نمی توان ساقط کرد می توان رسوا ساخت. اگر حق را نمی توان استقرار بخشید می توان اثبات کرد طرح کرد و به زمان شناساند وزنده نگه داشت.

نیروهای امنیتی در دشواری ها حضور دولت را به نمایش بگذارند



قسمت هفتم (استاد صباح)

این که سران شوراي نظار ، فقط تاجک و نماینده تاجک باشند، از توهمات ساخته چند پنجشیری است!
سران شوراي نظار را چه کسی نماینده تاجکان، ساخته است؟ مگراهایی هرات ، بادغیس ، بدخشان ،
تخار، پروان و... تاجک نیستند؟

اسماعیل خان و عطا محمد، نمایندگان تفنگسالاری و قلدری اند نه نماینده تاجکان- برادران مسعود و
امراالله صالح، یونس قانونی و بسم الله محمدی نماینده ودلال فتنه افروزی، تاجردین ودنیا اند! اینان را
نماینده تاجک خواندن به همان اندازه غلط است که اسماعیل را نماینده هراتیان و اسدالله خالد را نماینده
جنوب و عطا را نماینده شمال، قلمداد کنیم! یک خاین ملی ، خاین ملی ، است نه چیزی کمتر یا بالاتر!
یک لومین، فقط لومین است و بس!



بنام پشتون و تا جیک و هزاره
اینان کردند وطن را پاره پاره
اگر قطع شود پول های خارج
کنند جنگ و کشتاری دوباره .

حامیان کلکانی که با کدام منطق مرده خاک سپرده شده را از قبر بیرون کرده و به خاک می سپارید. از لحاظ شرعی اوبخاک سپرده شده و امانت در خاک نبوده که دوباره بخاک سپرده شود.

با کدام مجوز، نیش قبر کردید؟ آیا طب عدلی و دادگاه عالی جواز نیش قبر صادر کرده است؟ آیا جابجایی چهار تکه استخوان که معلوم نیست از کی است نیاز به این همه سر و صدا دارد؟

امروز در جامعه ما درست است که نظم و نظام کاملی حکم فرما نیست و زورمندان و قلدران هر چه می خواهند انجام داده می توانند، جنگ و کشتار در کشور جریان دارد، مهاجرت و آوارگی به اوج خود رسیده که اگر از اینها جلوگیری نشود روش ها و سلوک های موجود هر روز نسبت به روز دیگر به وخامت بیشتر به پیش رود و هیچ کس از هیچ مرجعی اطاعت نکند و هر کس به خیال خود عمل کند، قوانین و مقررات در جامعه حکم فرمایی نکند و قوانین جنگل جای حقوق و قوانین اجتماعی و حقوق مدنی و سیاسی را بگیرد، پس وای بحال چنین جامعه و ملتی خواهد بود که به چنین سرنوشتی گرفتار آمده اند. لذا عقلای ملت و جامعه باید ب فکر جامعه و ملت خود باشند و نظام نیم بند موجود اجتماعی و سیاسی خود را از هم نپاشانند بلکه برای اصلاح آن کوشا باشند نه تخریب آن.

وحشت و لمپنیزم



هجده سنبله هر سال، در مرگ مسعود، مردم کابل شوک سالهای بربریت تنظیمی را بار دیگر تجربه می‌کنند. جمعی از افراد بی‌بند و بار متعلق به شورای نظار با مستی و وحشت‌افکنی در سراسر شهر گشت‌زنی کرده باعث مزاحمت و تشویش شهریان کابل می‌شوند. اکثر آنان با اسلحه در دست داشته‌شان به فیرهای هوایی می‌پردازند بدون اینکه نیروهای امنیتی جلو شانرا بگیرد. اینان که زیر نام سوگواری برای مسعود به جاده‌ها می‌ریزند، حرکات شان بیشتر به جشن و پایکوبی شباهت دارد. قرار گزارش‌ها در سرک دارالامان بین پولیس و افراد کاروان‌های ولگردان درگیری صورت گرفته که منجر به زخمی شدن چند تن گردیده است. در مناطق قلعه فتح‌الله، شیرپور، سیلو، لب جر خیرخانه و غیره فیرهای مکرر هوایی باعث ترس و نگرانی مردم شده است.

گروهی از اوباشان شورای نظار در سال نود و چهار با پولیس و کارمندان امنیت در منطقه هودخیل در شرق کابل درگیر شدند که در نتیجه یک پولیس کشته شد و دو نفر از باشنده‌های محل زخمی شدند. همچنان در درگیری مشابهی عصر امروز در هودخیل دو باشنده محل و یک کارمند امنیت زخمی شدند. لمپن‌های شورای نظار با استفاده از موترهای حامل عکس‌های مسعود و با زور سلاح قصد داشتند با باشنده‌های هودخیل درگیر شوند.

این نمایشات مسخره و لمپانه با مصارف گزاف از جانب «بنیاد احمد شاه مسعود» (همد ولی مسعود) و قوماندان‌های تنظیمی متعلق به جمعیت به هدف قدرت‌نمایی سازمان داده می‌شوند. اما مردم کابل آنچنان از اینگونه وحشیگری‌ها منزجر اند که این خودنمایی‌ها بیش از پیش راهیان مسعود را در افکار عامه منحیث عناصر بی‌بند و بارو عاری از تربیت انسانی ثبت می‌کند. سال گذشته که این روز با جنجال‌های انتخاباتی گره خورده بود، آنچنان به دهشت، آشوب و مرگ و مجروحیت چند تن انجامید که

ولی مسعود و بعضی دیگر سران شورای نظار مجبور شدند برای خرید یک بینی خمیری آنرا محکوم نمایند. قهرمان ملی کسی است که در قلب مردم سراسر کشور جا داشته برای قبولاندنش بر ملت نیازی به اینگونه کارزارهای زورکی و پولکی نباشد. از آنجاییکه پست های مهم دولتی عمدتاً در چنگ همین قماش عناصر قرار دارند، پولیس و نیروهای امنیتی نه تنها جلو این حرکتها را نمیگیرند که اکثراً وسایط نقلیه پولیس نیز در کاروانهای اینان به کار گرفته می‌شوند.

عبدالله و غنی



عبدالله فقط برای پرکردن جیب خود برسر قدرت آمده است. تابحال که غنی و عبدالله اختلافات خود را کنار نگذاشتند، از این پس هم این کار را نخواهند کرد. در یک گوشه از کشور و متاثر از آن در برخی نقاط پایتخت، برخی چهره های شاخص و نمایندگان مردمی در پارلمان و جامعه ی مدنی و عده ای جوان دنباله رو، فکر برگزاری مراسم چهلم شهدای چوک دهمزنگ و تجمع اعتراضی نسبت به موضع گیری ارگ ریاست جمهوری در پروژه ی توتاپ را در سر می پروراندند که تا اطلاع ثانوی به تعویق افتاد. فرماندهی گارنیزیون کابل با نشر بیانیه ای، هرگونه برگزاری مراسم یادبود و بزرگداشت از شهدای دهمزنگ یا تجمع اعتراض آمیز در سطح شهر بخصوص در مصلاهی شهید مزاری را ممنوع اعلام کرده و مسوولیت تبعات آن را متوجه معترضین و شرکت کنندگان دانسته است. در گوشه ای دیگر از پایتخت و به تبع آن کشور، سران تاجیک در اقدامی غیرموجه و غیرضروری دست به نبش قبر حبیب الله کلکانی و هفده تن از یارانش پس از هشتاد هفت سال زده اند تا طی مراسمی تشریفاتی دوباره خاکسپاری شود. نزاع میان ترک تباران و ازبک ها تحت فرمان جنرال دوستم و تاجیک ها بر سر دفن این تابوت ها در تپه ی کلوله پشته یا تپه ی شهرآرا ادامه دارد.

در میان تمام افراد برجسته و شناخته شده ای که انرژی و توان خود را صرف مسایل پیش پا افتاده و درجه چند اینچینی می کنند احمد بهزاد، عطا محمد نور، امرالله صالح، یونس قانونی، بسم الله محمدی، ضرار احمد مقبل، عبدالرشید دوستم، داوود ناجی، مهدوی و امثالهم به چشم می خورند اما دریغ از سران

پشتون! به عبارت دیگر وقتی هزاره ها، تاجیک ها و ازبک ها به مسایل کم اهمیت قومی نژادی مصروف می شوند، غنی سیاست خارجی را در اختیار می گیرند و ارگ ریاست جمهوری را اداره می کنند و عنان مسایل درجه یک مملکتی را در دست گرفته اند.

فارغ از اینکه تعصبات قومی نژادی مذهبی و برخی ساده اندیشی های سران غیر پشتون چه برسر مردم این تبار می آورد، باید از ایشان پرسید یک لحظه نزاع های بی نتیجه را کنار بگذارید و درنگ کنید که چه کسانی از مشغولیت شما به امور ناچیز سود می برند و نبش قبر کلکانی و چهلم جنبش روشنایی را برایتان پررنگ تر از حد معمول آن می نمایند؟ درحال حاضر پشتون ها در میدان خالی ارگ یکه تازی می کنند و مصداق بازر آن را می توان سفرهای متعدد حنیف اتمر به کشورهای منطقه برای تبیین خط مشی نوین سیاست خارجی، اقتصاد فرا مرزی و منطقه ای برشمرد. وای به حال شما که اندر خم یک کوچه مانده اید.

قهرمان سازی های کاذب



مردم افغانستان در طول تاریخ همواره به دنبال قهرمان بوده و هستند و گاه این درد بی قهرمانی، قومی را چنان به تنگ می آورد که بر صفحات سیاه تاریخ، رنگ سفید می زنند. نادیده گرفتن رویدادهای هولناک فردی و تبدیل آن به قهرمان، اتفاق جدیدی نیست بلکه تمامی قومیت های افغانستان به چشم نجات دهنده به قهرمانان خود نگاه می کند و این نجات دهنده برای دیگر قوم یک جنایتکار خون ریز است. چشم پوشی ها بر جنایت و نسل کشی از ما مردمی فراموشکار ساخته است، وقتی نسلی که خود با کشتار و وحشت زندگی کرده از یک جنایتکار، نماد عدالت می سازد پس طی یک قرن یا هفتاد سال ردی از خون های ریخته شده نمی ماند.

اکنون تلاش برای قهرمان سازی، برخی جوانان و مقامات تاجیک را بر آن داشت که با نهادن نام قهرمان بر "حبیب الله کلکانی"، مقبره برای وی بسازند که حاشیه های زیادی در میان مردم و روشنفکران به همراه داشته است.

اعضای کمیسیون خاکسپاری امیرحبیب الله کلکانی با این استدلال که نادرخان، محمد گل، هاشم خان و ... مقبره دارند پس کلکانی نیز می تواند داشته باشد و با این دلیل که پایه های حکومت پشتون ها را لرزاند پس نبش قبر و خاکسپاری قابل قبول است. میر غلام محمد غبار، نویسنده "افغانستان در مسیر تاریخ" دوره امیر حبیب الله کلکانی را به عنوان حکومت اغتشاشی بیان کرده است، دوران تاریک برکشوری که آرام آرام تلاش می کرد دروازه های خود را به روی جهان نو باز کند. در این میان اگر حبیب الله کلکانی را آنچنان که دزد و راهزن خوانده اند، ندانیم و به عنوان یک دوره در تاریخ معاصر افغانستان بررسی کنیم قابل نقد است چون رویکرد بنیادگرایانه دینی داشت .

بی عدالتی ها نباید عقده ای تاریخی برای تاجیکان باشد زیرا موقعیت آنان از دیگر اقوام به کلی متفاوت است. این قوم از زمان حکومت احمد شاه رانی "1747" تا کنون در اداره کشور همراه با پشتون ها بوده اند، اما قادر به نفی کامل تاجیک ها آنگونه که از یک ها و هزاره ها را نادیده گرفت، نشد و هیچ گاه از سوی آنان مانده هزاره ها نه قتل عام شدند و نه در تاریکترین لایه های تاریخ دفن.

زمان برای اعزاز و خاکسپاری "امیر حبیب الله کلکانی" صادر شده است. گفته می شود این فرمان از سوی عبدالله بوده ولی تا هنوز این فرمان در رسانه ها به نشر نرسیده است. آیا عبدالله صلاحیت صدور فرمان را دارد و اگر داشته چرا تا حال فرمان صادر نکرده است؟ باید گفت عبدالله بعنوان رییس اجرایی مطابق به توافقنامه صلاحیت صدور فرمان را دارد و ایشان شریک "حکومت وحدت ملی" محسوب می شود، قانون اساسی افغانستان صلاحیت صدور فرمان را به رییس جمهوری اعطا کرده است. فرمان از سوی عبدالله صادر شده و به امان الله گذر سپرده شده است، اما هنوز مشخص نیست که محتوای این فرمان از چه قرار است. آیا این فرمان یک «فرمان» دولتی است یا صرفاً یک «اجاز نامه»؟ ریاست اجرایی باید روشن سازد که اگر فرمانی در کار است، محتوای آن چه است و باید آن را در دسترس کمیسیون مردمی قرار دهد تا در پرتو آن، کمیسیون تصمیم اتخاذ نماید.

خاکسپاری مجدد حبیب الله کلکانی از روز شدت گرفتن اختلاف رهبران حکومت وحدت ملی از خواسته های درشت عبدالله گفته شده و رییس اجرایی این موضوع را در دیداراش با رییس جمهور مطرح نموده است.

مراسمی با حضور باشندگان کابل و شخصیت های سیاسی همانند «عطاء محمد نور» یونس قانونی، بسم الله محمدی و «امرالله صالح»، آغاز شد که هدف آن خاکسپاری مجدد «امیر حبیب الله کلکانی» در تپه شهر آرا کابل بود.

در این مراسم میان «عبدالرشید دوستم»، معاون اول رئیس جمهور و «کمیسیون خاکسپاری امیر حبیب‌الله کلکانی»، در تپه شهر آرا کابل درگیری صورت گرفت .

حبیب‌الله کلکانی معروف به "بچه سقاو" در ۲۴ جدی سال ۱۳۰۷ خورشیدی، قدرت را از امان‌الله خان شاه سابق افغانستان بدست گرفت و کمتر از یک سال در این کشور پادشاهی کرد. بعداً در ۲۵ میزان سال ۱۳۰۸ قدرت را به نادر شاه واگذار کرد. با آنکه نادر شاه پس از گرفتن قدرت تعهد کرده بود که حبیب‌الله کلکانی را کار نمی‌گیرد، اما توسط سپاهیان پس از شکنجه، وی را همراه با هفده تن از یارانش تیرباران و اجساد آنان را مدتی در چمن حضور کابل به دار آویخت.

نماینده مردم قندهار میگوید

همچنان لالی حمیدزی، نماینده مردم قندهار در مجلس نمایندگان در یک نشست خبری در اعتراض به خاکسپاری کلکانی در تپه شهر آرا گفت که این حرکت اقدامی به هدف دامن زدن به جنگ قومی در افغانستان است.

حمیدزی از برخی سران جمعیت خواست تا دست از «زورگویی» بردارند؛ تا آنان مجبور نشوند که دست به سلاح ببرند. خارجیان باید این وضعیت را مهار کنند؛ اگر یک فیر (از سوی طرفداران کلکانی) صورت گرفت، باز حکومت از ما گله نکند. ما را مجبور به برخورد مسلحانه نکنند؛ دیگر زمان حرکت‌های مدنی به پایان رسیده است.

لالی حمیدزی از نمایندگان جنجالی مجلس است که همواره در مجلس با هم‌صنفان خود تنش‌های لفظی و برخورد فیزیکی داشته است. گفته می‌شود که حمیدزی از افراد نزدیک به جنرال دوستم معاون اول ریاست جمهوری نیز است.

نشست خبری آقای حمیدزی و برخی نمایندگان ولایت‌های جنوبی به صورت زنده از تلویزیون آئینه مربوط به جنرال دوستم پخش شد. حکومت و نهادهای امنیتی تاکنون در مورد این رویداد واکنشی نشان نداده اند.

سرانجام چه شد؟؟؟

مسوولین خاکسپاری حبیب‌الله کلکانی از ستر جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری معذرت خواستند

آنان گفتند که قبر کلکانی را در کلوله پشته نیز کنده بودند ولی یک‌عده جوانان احساساتی حتی به سخنان بزرگان تاجیک نیز اعتنا نکردند. در این نشست تصمیم نهایی این شد که تپه شهر آرا به نام اولی خود باقی میماند.

ناگفته نباید گذاشت که محافظین معاونیت اول با فرماندهی جنرال هاشم مسوول امنیتی صدارت تا آخرین لحظات مانع ورود طرفداران کلکانی و جسد وی به قلعه شدند. با این حال قسمی که حاجی الماس گفت اجساد در امتداد قبرستان موجود در تپه بگونه دسته جمعی و بگونه غیر منظم دفن شد. لازم به ذکر است که بزودترین فرصت قلعه تپه ی شهر آرا بازسازی میشود و هویت تاریخی آن مثل 350 سال گذشته در حالت قبلی خود باقی خواهد ماند.